

پیرامون استعفای آقای افشین جم

امیرفیض - حقوقدان

اخیرا خبری منتشر شد مبنی بر اینکه آقایان افشین جم و اردشیر دولت، از شورای تجزیه طلبان کناره گیری و یا برکنار شده اند. بفاصله کوتاهی شورای تجزیه طلبان خبر مزبور را تکذیب و آنرا جعل و خبرسازی اینترنتی خواند. باز دو روزی نگذشت که آقای افشین جم با انتشارنامه ای یک بحران خبری بر آن اضافه کرد. اکنون در این تحریر به اتفاق نکات بحرانی و ابهامی نامه مزبور مطرح میشود:

متن نامه آقای افشین جم^۱

((پیرو واکنش و آگاهینامه رسمی شورای ملی ایران بتاريخ ۴ جولای ۲۰۱۵ که نوشتار (اخراج برخی هموندان از شورای ملی ایران) دروغی و جعلی اعلام کرد ضمن تائید آگاهینامه شورای ملی (۱)، شیوه شایعه پراکنی و جعل مدرک راخلاف مبارزه دانسته و چنین رفتار دشمن شادکن رامخرب و منحرف کننده از مسیر براندازی میدانم. (۲) در مبارزه نجات ملی باید صاقتانه با قاطعیت، با انصاف و شهامت عمل کرد و در هر زمان منافع ملی را در بالاترین اولویت قرارداد. (۳)



برای آگاهی و شفافیت همزبان برای پایان دادن به این شایعه پردازی به اطلاع میرسانم:

در تاریخ ۲۴ دسامبر ۲۰۱۴ بیش از ۶ ماه پیش در دو زمان بفاصله سه ماه از یکدیگر بخاطر نکاتی که بازگویی مراتب آن بسود مصالح ملی نیست (۴) از دفتر سیاسی و دیگر مسئولیت های، از شورای ملی ایران کناره گیری کردم (۵).

برای رهائی از جمهوری اسلامی فاسد، جنایتکار و مردم فریب میباید با اتحاد در عمل از هر کوششی در هر شرنطی در همکاری با اپوزیسیون های ملی، وطن پرست که متعهد به یکپارچگی کشور، دموکراسی و معتقد به تفکیک دین از حکومت هستند با پشتوانه و رعایت منشور حقوق بشر دریغ نکرد. این گفتار اصول راه برد مبارزاتی من رامشخص میکند.

هدف نجات و یکپارچگی میهن است و همگان برای رسیدن به این هدف مقدس وسیله هستیم
پاینده ایران - افشین جم))

^۱ - دختر آقای افشین جم (نازنین افشین جم) در زمانی که آقای پیتر مک کی وزیر دفاع کانادا بود به همسری ایشان در آمده است. آقای مک می در حال حاضر وزیر دادگستر و دادستان کل کانادا است. پیتر مک کی در سال ۱۹۶۵ دنیا آمده است و نازنین افشین جم در سال ۱۹۷۹ در تهران دنیا آمده و در سال ۲۰۱۲ با آقای مک کی ازدواج کرده است. لازمه این ازدواج در آمدن به تابعیت کانادا است و یک تبعه غیر ایرانی حق دخالت در امور ایران را ندارد. ح-ک

اعلانی هم منتشر شده که علت کناره گیری آقای اردشیر دولت را نحوه برخورد با شهرام همایون نوشته است.

تصور نمیشود این مقوله جدی باشد زیرا هنگامیکه شورا به «جنده خانه» تشبیه و دونفر از خانمهای آن جنده اعلام شدند رگ غیرت و دفاع آقای اردشیر دولت تکانی نخورد.^۲ قبل از آنکه پیرامون نامه آقای افشین جم صحبتی بمیان آید عرض دو نکته ضروری است:

اول - برداشت از ماجرای استعفای آقای افشین جم:



نخستین برداشت از ماجرای استعفا ویا برکناری آقای افشین جم و اردشیر دولت با نام اصلی (امیردرختی) یک اقدام اداری است که معمول در همه شخصیت های حقوقی است و با هیچ ابهام و بحرانی روبرو نمیشود ولی مورد استعفا ویا

کنارگیری آقایان باچنان ابهامات و ملاحظاتی مواجه است که شخص ثالث نمیتواند با خواندن اعلامیه (آگاهی نامه) شورا و بیانیته باصطلاح مجعول اولین شورا و نامه آقای افشین جم واقعا درک کند که بالاخره آقایان استعفا داده اند ویا برکنار شده اند ویا هیچکدام آقایان و یا لااقل افشین جم هنوز عضو مسئول شورا میباشند.

برداشت از جریان مزبور در این حول و حوش است که شورا حتی لیاقت در مدیریت استعفای یکی از اعضای خودش که روان و آسان و معمول ترین کارهای اداری است را ندارد؛ این چنین شورائی چگونه ادعای برگزاری انتخابات آزاد را دارد؟

یکی از کامنت نویسان بر آگاهی نامه شورای تجزیه طلبان نوشته است: «به آنها این پاسخ داده میشود شما که آب دماغتان را نمیتوانید بالا بکشید چرا این کرکری ها را میخوانید».

در تطبیق مورد شورا که نمیتواند یک استعفای عضو خودش را مدیریت کند چرا این غلطهای زیادی را در باره تمامیت ارضی کشور مینویسید و امضا میکنید.

ای کاش شوراچی ها این ضعف و نادانی را در ماده ۱۱ قطعنامه شورا بکار میبردند که خلاف آن قابل ملاحظه است کسانی که آن قطعنامه و ماده ۱۱ آنرا پیاده کرده اند باچنان تجربه و احاطه به موضوع آن ماده لعنتی را پیاده کرده اند که نمیتوانند همین افرادی باشند که در مورد یک استعفای اعضای خودشان فلانیشان با فلانیشان قاطعی شده است.

^۲ برنامه افق ایران دوشنبه ۳ آذر ۱۳۹۳ برابر با ۲۴ نوامبر ۲۰۱۴ که نگراره بالا از آنجا برداشته شده است اردشیر دولت را «داور کل شورای ملی» می نامد. ح-ک

مورد دوم لزوم اعلان مراتب استعفا

لازم نیست که هر کناره گیری و یا برکناری عضو سازمان و یا کارمند و یا مستخدمی برای آگاهی عموم اعلام شود، عضویت و رابطه افراد وابسته به سازمان های اجتماعی و یا خدماتی بطوراصولی رابطه خصوصی است که بین کارفرما و کارگر برقرار است و ابطال آن هم یک اقدام خصوصی است، و نیازی به آگاهی و اعلام عمومی نیست.

منتها در مواردی که مقام، و یا مسئولیت بموجب قانون و یا منتبع قانون به کسی محول شده چون قانون به اطلاع عموم میرسد شرط است که برکناری و یا استعفای شخص مزبور نیز آگاهی شود.

استثنای وارد بر آن

استثنای وارد بر آنچه در رابطه با استعفا عرض شد این است که هرگاه عضو و کارمند دستگاهی در مقام مسئولیت باشد یعنی متعهد به تحویل گرفتن مال و یا جنس و یا اخبار از ثالث باشند و یا برعکس متعهد به پرداخت مال و جنس و دستور به ثالث باشند آگاهی برکناری عضو الزامی است در غیر این صورت برای ثالث ایجاد تکلیف منع و نهی نمیشود و امکان سوء استفاده ممکن و مسئولیت لوٹ میگردد.

ذکر مقام و مسئولیت مستعفی

بنابراین لازمه اعلام برکناری عضو، تنها اعلام نام و نام خانوادگی او نیست بلکه مهمترین آن مقام و مسئولیت اوست، و چون مسئولیت، در مورد سازمان ها مانند چرخ دنده های فعالیت سازمان است و نمیتواند متوقف گردد و در عبارت دیگر مسئولیت و مورد مسئولیت است که شخص را متصدی میسازد نه برعکس، لذا در مورد کناره گیری اشخاص مسئول، بموازات اعلام کناره گیری و یا برکناری او مسئول موقت دیگری که جایگزین ادامه مسئولیت شخص مستعفی باشد همزمان معرفی میگردد.

اعتبار شخصیت های حقوقی سیاسی و همچنین افرادی که در آن شخصیت های حقوقی فعال هستند ایجاب میکند که علت برکناری آنان و یا مستعفی شدن عضو اعلام شود این یکی از حقوق ممتاز شده کارمندان و کارگران و همچنین فعالان در سازمان های اجتماعی و سیاسی است و اگر این موضوع روشن و رعایت نشود هم اعتبار شخصیت حقوقی و هم اعتبار همان عضو برکنار شده و یا مستعفی شده معیوب میگردد.

متاسفانه در مراتب استعفا و یا کناره گیری آقای افشین جم هیچیک از اصول لازم چه از طرف شورا و چه از سوی آقای افشین جم رعایت نشده و در تاسف بیشتر، این تشریفات لازم بصورت تعارف برگزار گردیده است، و این برداشت درحالتی است که نمیتوان فهمید که آقای افشین جم واقعا کناره گیری کرده است یا خیر.

ابهامات در نامه آقای افشین جم

(۱) مفهوم آگاهینامه شورا تکذیب بیانیه ای است که خبر از برکناری و یا استعفای آقایان افشین جم و اردشیر دولت رادارد- نامه آقای افشین جم در عین اینکه آگاهی نامه شورا را تائید میکند و این تائید به این معناست که خبر استعفای ایشان نادرست و جعل است ولی معهدا در نامه خودشان به استعفای از

مسئولیت های شورا متکی شده اند این تعارض آشکار یکی از ابهامات و ایجاد بحران های مخلوط شده در موضوع است، که انسان نمیتواند بدون اخذ مشاوره از دیگران و یا تبعیت از نظرات آنها از نامه های منتشره کسب و درک حقیقت موضوع را بنماید.

(۲) آقای افشین جم شایعه پراکنی و جعل مدرک را منحرف کننده از مسیر براندازی میدانند. در کدام ماده اساسنامه شورا، هدف شورا، براندازی جمهوری اسلامی مقرر شده؟ میان دعوا نرخ تعیین کردن همین است.

هدف شورا انتخابات آزاد و تقسیم قدرت و حاکمیت و حکومت غیر متمرکز و در عمل تجزیه کشور است و اینها کجا و براندازی کجا؟ آقای افشین جم که برنامه خودش از صداقت و راستی سوء استفاده کرده اند چرا جایگاه براندازی جمهوری اسلامی را با بیعت و شرکت در انتخابات جمهوری اسلامی مخلوط میکنند؟ آیا معنا و مفهوم تفاوت این دو را میدانند و اگر میدانند چرا در موقع بیعت با شورا و یا عدم تحریم انتخابات، مانع این اقدامات شرم آور نشدند.

(۳) برنامه ایشان آمده است «منافع ملی بالاترین الویت هاست قاطعیت و انصاف و شهادت میطلبد»

آقای افشین جم به بهانه عبارت بالا که عمومی و اقتباس از دیگران و دیگران است از بیان علت کنارگیری و یا برکناری خودش غفلت کرده اند، در حالیکه منافع ملی یک چیز است و حرکت در آن جهت چیز دیگری است، اگر حرکت در جهت منافع ملی درست نبود اصلاح و اعتراض به آن ضرورت دارد و الا رسیدن به منافع ملی را ممکن نمیسازد، در اقدام آقای افشین جم قاطعیت و انصاف و شهادت وجود ندارد و همین فقدان شهادت سبب پرده پوشی علت کنارگیری و یا برکناری ایشان شده است.

در اینجا نیز آقای افشین جم از بازار آشفته سوء استفاده کرده و فعالیت شورا به حساب منافع ملی گذاشته است، این تعبیر ایشان وقتی میتواند مورد اعتراض قرار نگیرد که ایشان یک فرد عوام و وابسته به دیگران و از جمله شورا شناخته شود و الا هر مغز قدری مستقل میدانند که ماده ۱۱ منافع ملی که یکی از ارکان وحدت ملت و تمامیت ارضی ایران است را خرد و خمیر ساخته است.

(۴) نوشته اند که از ۲۴ اسفند دوبار هر سه ماه استعفا داده ام. مگر میشود انسان از کار و شغلی استعفا بدهد و بعد هم سه ماه و یا شش ماه مسئول همان کار باشد. استعفا یعنی قطع رابطه کاری. یکبار که انجام شد قطع رابطه کاری تحقق یافته و استعفای دوم مشت در فلان و عمل لغوی است، زیرا کارمند و یا شاخص مزبور با استعفای خود دیگر در حلقه حقوق ارتباطی نیست و هر اقدام و عملی که بنماید مداخله ناموجه و حتی قابل تعقیب است.

بنده شنیده بودم که در شورای تجزیه طلبان خرتوخری کامل حکم فرماست اما نه در حدی که آقای افشین جم به آن رفتار کرده است.

(۵) آقای افشین جم استعفای درهم و برهم خودش را دلیل سلب مسئولیت از خودش دانسته اند. سلب مسئولیت متوجه آینده است و این تشخیص و مرز بندی کار ساده ای نیست که با اعلام قضیه مختومه شود.

برای استحضار آقای افشین جم هراقدامی که به استناد قطعنامه شورای تجزیه طبان صورت گیرد چه آقای افشین جم عضو شورا بوده و یا نباشد مسؤلیت آن متوجه تمام امضا کنندگان قطع نامه و اعضای شورا میباشد چه ان اقدامات در زمان عضویت آنها روی داده باشد و یا در زمان کناره گیری آنان.

راه تسری کناره گیری بر اقدامات جاری و گذشته شورا ارانه سند مخالفت است، که شنیده ام تا زمانی که آن ۵۰۰ هزار دلار اهدائی مردم بادیست اندرکاری آقای فروزنده باقی بود صحبت از مخالفت نبود و همینکه کفگیریه ته دیگ خورد ابراز مخالف ها آغاز شد آنهم به بهانه منافع ملی.

برای استحضار آقای افشین جم و دیگران...

شما و همه کسانی که در شورای تجزیه طلبان عضویت داشته و یا دارند اهم اتهاماتی که متوجه آنهاست بقرار زیر خواهد بود:

- ✳ ایجاد زمینه های مساعد برای تجزیه کشور.
- ✳ بیعت با جمهوری اسلامی.
- ✳ تقاضا از کشورهای بزرگ جهان درباره مرز زدائی از ایران.
- ✳ درخواست دخالت و کمک از کشورهای بزرگ جهان به شورا برای برقراری سکولاریسم.
- ✳ درخواست از کشورهای بزرگ جهان برای حمایت و کمک به کشورهای عربی که در مقابل با ایران ایستاده و یا قرار خواهند گرفت.
- ✳ متلاشی ساختن نیروهای واقعی سلطنت طلبان که اپوزیسیون حقیقی جمهوری اسلامی را تشکیل میدادند.
- ✳ تبدیل اعلیحضرت رضا شاه دوم نهاد ملی و قانونی ایران، به شخصیتی مسنول (تنها) در حد ریاست شورای تجزیه طلبان.

آقایان افشین جم و اردشیر دولت فکرنان کنید که خربزه آب است.